

بازخوانی دیدگاه‌های بزرگان در مورد راه‌های دعوت به اسلام

این، پیام فطرت و پیام جان بشریت است

هادی مازندرانی

اشاره:

بازخوانی دیدگاه‌های بزرگان دین و عقبه‌های تنوریک نظام در مورد راه‌های دعوت به اسلام و چگونگی تبلیغ دین در دنیا، از جمله مسائل مهمی است که پرداختن به آن ضروری می‌باشد. در این مقال سعی کرده‌ایم تا با مرور گفتارها و اندیشه‌های برخی از این بزرگان، پاسخی به پرسش فوق بیابیم.

آیت‌الله صافی گلپایگانی



• این، پیام فطرت و پیام جان بشریت است

رسالت دین مقدس اسلام، رسالت جهانی و فراگیر همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» پیام قرآن و صدای اسلام و ندای آسمانی توحید، اختصاص به یک زمان و مکان ندارد.

این، پیام فطرت و پیام جان بشریت و پیام معنویت است که زمان و مکان را درنور دیده و برای ابد و همیشه، زنده و تازه و پویا و سازنده می‌باشد.

• پیام‌های حیات‌بخش اسلام و قرآن

کرامت انسان، مساوات اسلام، توحید و عدالت اسلام، دعوت به صدق و صفا و راستی و محبت به یکدیگر، و دوری از کینه و حسادت و دشمنی با ظالم و ستمگر و حمایت از مظلوم و محرومین و ایجاد مدینه فاضله‌ی انسانی، همه و همه از پیام‌های حیات‌بخش اسلام و قرآن کریم است که فطرت پاک انسانی، همیشه آن‌ها را خواهان است.

• افکار نورانی اسلام و اهل بیت

با این افکار نورانی اسلام و هدایت‌هایی که کتاب و سنت و اهل بیت علیهم السلام در اختیار ما گذاشته‌اند، و با توجه به ذخایر و سرمایه‌های علمی و معنوی که داریم، باید بتوانیم بهترین و کاملترین اجتماعات و

تمدن‌های امروزی را در دنیا عرضه کنیم.

• علت گسترش اسلام در جهان

اگر اسلام امروز چنان پیشرفت دارد و دل‌های مردم آگاه و عالم را تصرف نموده و قرآن کریم این همه جاذبه دارد که دانشمندان بزرگ در مقابل آن سر تعظیم فرود می‌آورند، همه به این جهت است که اسلام، دین عقل و منطق و استدلال و برهان است؛ دینی است که مردم را به تفکر و تدبیر و اندیشه دعوت می‌نماید و برای عالم و علم، ارزش بسیار زیادی قائل است، اسلام، هرگز از علم و عقل و تدبیر و اندیشه و فطرت پاک جدا نبوده و نیست.

• بزرگ‌ترین ستم به اسلام و انسانیت

متأسفانه باید گفت چقدر عده‌ای از خرد دور و از خدا بی‌خبر و از اسلام رانده‌شده، به این دین خنیف ضربه زدند و چهره‌ی رحمانی آن را به چهره‌ی خشونت‌طلبی و ظلم و قتل و غارتگری تبدیل نمودند! چقدر انسان‌های پاک و مظلومی را که سرمایه بزرگ علمی و فکری داشتند و عقیده و دین‌شان پاک و بی‌آلایش بود را کشتند و بزرگ‌ترین ستم را به اسلام و بلکه جهان انسانیت وارد نمودند و می‌نمایند.

• خیانتکاران به اسلام و مسلمین

امروز فرق ضالّه‌ای که به نام اسلام مسلمانان را تکفیر می‌کنند، ریختن خون مسلمانان را حلال می‌شمارند و هر روز با حربه ترور مسلمانان را می‌کشند، چهره اسلام را خشن و ضد انسانی نشان می‌دهند و اینها اسباب عار و ننگ جامعه مسلمانان هستند و به اسلام خیانت می‌کنند.

آیت الله مکارم شیرازی



● **اسلام دین محبت است حتی به غیر مسلمانان**
 دین اسلام دین رافت و مهربانی است و باید به دنیا بگوییم این جریان تکفیری از اسلام جداسست. باید جوانانی که در این گروه هستند و فریب خورده اند را از آن‌ها جدا کنیم. اسلام دین محبت است حتی به غیر مسلمانان.

● **لزوم طرح اندیشه‌های ناب اسلام**
 باید مسائل اعتقادی و اندیشه‌های ناب اسلام در جهان مطرح شود تا جوانانی که در این گروه تکفیری منحرف شدند آگاه شوند و بتوانند از این گروه خارج شوند.

● **توجه به قرآن در غرب چندین برابر شده است**

توجه به قرآن در اروپا و آمریکا چندین برابر شده و ترجمه قرآن کریم در یکی از سال‌های اخیر، به عنوان پرفروشترین کتاب معرفی شده است.

● **قرآن، پر فروش‌ترین کتاب در آمریکا**

بحمدلله با وجود نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان دین مبین اسلام به سرعت در دنیا در حال گسترش و پیشرفت است و در یکی از سال‌های گذشته قرآن پر فروش‌ترین کتاب در آمریکا بوده است.

● **دین آینده دنیا اسلام است**

امروز مردم دنیا از مادی‌گرایی و ماتریالیسم خسته شده و به دنبال پناهگاه معنوی هستند. آنچه می‌تواند عطش مردم جهان را فرو بنشانند تنها دین مبین اسلام است. ما باید از این فرصت به خوبی استفاده کنیم و در این صورت دین آینده دنیا اسلام است.

● **دنیا آماده پذیرش مکتب اهل بیت(ع) است**

در شرایط فعلی بیش از هر زمانی به تبلیغ نیاز است؛ زیرا دنیا آماده پذیرش مکتب اهل بیت(ع) است، گوش شنوا برای شنیدن پیام این مکتب آماده است و باید در داخل و خارج این دین را تبلیغ کرد. در خارج از کشور نیز شرایط نسبت به پذیرش اسلام فراهم شده است و اگر از این فرصت استفاده نکنیم در روز قیامت باید پاسخگو باشیم.

● **اسلام در اروپا و آمریکا در حال پیشرفت است**

امروزه هجمه علیه دین اسلام و به ویژه مکتب اهل بیت(ع) بسیار زیاد شده است. دشمنان و بدخواهان دین گاهی با ساخت فیلم‌ها، گاهی با انواع جسارت‌ها و توهین‌ها و گاهی با شبهه افکنی و برخی اوقات نیز با فحاشی در فضای مجازی و سایت‌ها به مقدسات اهانت و علیه دین و مکتب ما فعالیت می‌کنند با وجود تبلیغات همه جانبه دشمنان و بدخواهان، اسلام در اروپا و آمریکا در حال پیشرفت است و هر ساله شمار زیادی به دین اسلام می‌گروند

● **تلاش جماعتی گمراه برای سیاه کردن چهره اسلام**

جماعتی گمراه که به نام اسلام، دست به جنایت‌هایی می‌زنند که حتی به ذهن جاهل‌ت قبل از اسلام هم نمی‌رسید، اعمالی از جمله تعرض به مال و جان و ناموس مسلمانان و این‌ها هر کاری برای سیاه کردن چهره اسلام و به نام اسلام انجام می‌دهند.

● **این‌ها آبروی اسلام را برده‌اند**

متأسفانه شاهد نوعی اسلام‌هراسی در میان اروپاییان هستیم که منشأ آن اعمال افراطی قلیلی از وهابیان است. حتی ما در حال مبارزه با آن‌ها هستیم و معتقدیم این‌ها آبروی اسلام را برده‌اند و به صلح جهانی نیز ضربه وارد می‌کنند ولی نباید اعمال یک گروه اقلیت را به حساب کل مسلمانان گذاشت و موجب اسلام ستیزی شد.

آیت الله شهید مطهری



● **اسلام دین حقیقت‌گرا و واقع‌گراست**

اسلام دین حقیقت‌گرا و واقع‌گراست. لغت «اسلام» به معنی تسلیم است و نشان دهنده این حقیقت است که اولین شرط مسلمان بودن، تسلیم واقعیت‌ها و حقیقت‌ها بودن است. هر نوع عناد، لجاج،

تعصب، تقلیدهای کورکورانه، جانبداری‌ها، خودخواهی‌ها از آن نظر که بر خلاف روح حقیقت‌خواهی و واقع‌گرایی است، از نظر اسلام محکوم و مطروذ است. از نظر اسلام اگر انسانی حقیقت‌جو، بی‌نظر و کوشا در راه وصول به حق باشد، فرضاً به حقیقت نرسد، معذور است، و اگر کسی در روح خود عناد و لجاج داشته باشد، فرضاً حقیقت را به دلیل تقلید و یا وراثت و امثال این‌ها پذیرفته باشد، ارزشی ندارد. مسلمان واقعی، چه مرد و چه زن، به حکم روح حقیقت‌جویی خود حکمت و حقیقت را هر کجا و نزد هر کس یافت اقتباس می‌کند و فرامی‌گیرد، در راه کشف و تحصیل علم، تعصب به خرج نمی‌دهد، فرضاً در دورترین نقاط جهان آن را بیابد به سوبش می‌شتابد. مسلمان واقعی حقیقت‌جویی را نه به زمان معینی از عمر خویشتن محدود می‌کند و نه به منطقه‌ای خاص منحصر می‌کند و نه آن را در انحصار اشخاص معین می‌داند.

● **عوامل گسترش سریع اسلام**

در اسلام یک خصوصیتی هست از نظر گسترش که در مسیحیت نیست و آن مسئله سرعت گسترش اسلام است. مسیحیت خیلی کند پیشروی کرده است ولی اسلام فوق‌العاده سریع پیشروی کرده است چه در سرزمین عربستان و چه در خارج عربستان، چه در آسیا، چه در آفریقا و چه در جاهای دیگر.

این مسأله مطرح است که چرا اسلام این اندازه سریع پیشروی کرد؟ حتی لامارترین شاعر معروف فرانسوی می‌گوید: اگر سه چیز را در نظر بگیریم احدی به پایه پیغمبر اسلام نمی‌رسد. یکی فقدان وسائل مادی؛ مردی ظهور می‌کند و دعوتی می‌کند در حالی که هیچ نیرو و قدرتی ندارد و حتی نزدیکترین افرادش و خاندان با او به دشمنی بر می‌خیزند، تک ظهور می‌کند، هیچ همکار و همدستی ندارد، از خودش شروع می‌شود، همسرش به او ایمان می‌آورد، طفلی که در خانه هست و پسر عموی اوست - علی علیه السلام - ایمان می‌آورد، تدریجاً افراد دیگر ایمان می‌آورند آن هم در چه سختی‌ها و مشقت‌ها! و دیگر، سرعت پیشرفت یا عامل زمان و سوم بزرگی هدف. اگر اهمیت هدف را با فقدان وسائل و با سرعتی که با این فقدان وسائل به آن هدف رسیده است در نظر بگیریم، پیغمبر اسلام - به گفته‌ی لامارترین و درست می‌گوید - در دنیا شبیه و نظیر ندارد.

● **عامل اول برای نفوذ و توسعه اسلام**

یکی از دیگر علل پیشرفت سریع اسلام قرآن، معجزه‌ی پیغمبر است، آن زیبایی قرآن، آن عمق قرآن، آن شورانگیزی قرآن، آن جاذبه قرآن، بدون شک عامل اول است. عامل اول برای نفوذ و توسعه اسلام در هر جا خود قرآن است و محتوای قرآن.

● **«سیره نبوی»؛ علت مهم پیشرفت سریع اسلام**

(یکی دیگر از علل پیشرفت سریع اسلام) «سیره نبوی» و روش پیغمبر اکرم یعنی... خلق و خوی رسول اکرم، سیره رسول اکرم، طرز رفتار

عقل چراغ است و از چراغ کاری ساخته نبوده و فقط راه را می بیند و دین که صراط و راه سعادت است، فقط برای خداست و ذات اقدس خدا به وسیله وحی، اولیا و معصومان (ع) آگاه می کند و از دو منظر قرآن و عترت می توان این صراط را شناخت؛ عترت یعنی علی و اولاد علی است و عترت و عصمت و ولایت همتای با قرآن است.

آیت الله جوادی آملی



• مهمترین پیام اسلام

اسلام پیام خدا را به جامعه بشری ابلاغ می کند. مهم ترین پیامی که اسلام از خدای سبحان به جامعه بشری انتقال داده است، همان نظام احسن است که فرمود: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ)؛ هم اصل هستی را خدا افاضه کرده است که (اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ) وهم حُسن این نظام را خدا عطا کرده است که فرمود: (أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ). نظامی احسن است که در آن صلح حاکم، امنیت محفوظ و امانت محترم باشد. جامعه جنگجو، جامعه ویران شده است. جامعه بی امنیت و بی امانت در آستانه سقوط است.

• شرط قبول پیام

خداوند به ما دستور داد شما دین را به مردم ابلاغ کنید و فرمود حرف هایی که من می زنم حرف های دل آشنا و فطرت پذیر است لذا شما خودتان این حرف ها را خوب بفهمید و عمل کنید آنگاه وقتی حرف از دل شما برآمد دیگران حرف های شما را می پذیرند.

• گام های دعوت به سوی حق

خدای سبحان در قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را با ویژگی هایی معرفی کرده و فرموده است «انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه و سرآجا منیرا» ای پیامبر، تو را فرستاده ایم که گواه و نوید دهنده و هشدار دهنده و بانن پروردگار دعوت کننده مردم به سوی خدا و چراغ نوربخش برای امت باشی.

با توجه به این آیه، یکی از وظائف پیامبر بزرگوار اسلام دعوت مردم به سوی خداست، دعوت مردم به سوی خدا ابزار می طلبد، ابزاری که خدای سبحان برای دعوت معرفی کرده است سه تا است: حکمت، موعظه حسنه، جدال احسن «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» با حکمت و اندرز نیکو مردم را به سوی پروردگار دعوت نما و با آن ها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.

با استفاده از این آیه نخستین گام برای دعوت مردم به سوی خدا استفاده از حکمت و منطق صحیح و استدلال های حساب شده است، و چون رسالت پیامبر اسلام (ص) بیداری افکار و اندیشه ها و شکوفایی گنجینه های عقلانی است بهترین روش برای تحقق این هدف استفاده از منطق و استدلال و برهان است.

دومین گام برای دعوت استفاده کردن از موعظه حسنه و اندرز نیکوست که به منظور تأثیر گذاری بر عواطف از آن بهره برداری می شود، موعظه زمانی اثر عمیق خود را می بخشد که «حسنة» بوده و به صورت زیبایی اجرا گردد. زیرا اگر دعوت با تحقیر طرف مقابل و حس برتری جویی و همراه با خشونت و مانند آن باشد تنها اثر مثبت ندارد بلکه به عکس آثار و پی آمدهای منفی خواهد داشت.

رسول اکرم، نوع رهبری و مدیریت رسول اکرم... است و حتی بعد از وفات پیغمبر اکرم هم، تاریخ زندگی پیغمبر اکرم یعنی سیره او که بعد در تاریخ نقل شده است - خود این سیره تاریخ - عامل بزرگی بوده است برای پیشرفت اسلام...

• کار تبلیغی پیامبر برای دعوت به اسلام

پیامبر اکرم در کار تبلیغ اسلام تحرک داشت. به طائف سفر کرد، در ایام حج در میان قبایل می گشت و تبلیغ می کرد، یک بار علی علیه السلام و بار دیگر معاذ بن جبل را به یمن برای تبلیغ فرستاد، مصعب بن عمیر را پیش از آمدن خودش برای تبلیغ مردم مدینه به مدینه فرستاد، گروه فراوانی از یارانش را به حبشه فرستاد. آن ها ضمن نجات از آزار مکیان، اسلام را تبلیغ کردند و زمینه اسلام نجاشی، پادشاه حبشه و نیمی از مردم حبشه را فراهم کردند.

در سال ششم هجری به سران کشورهای جهان نامه نوشت و نبوت و رسالت خویش را به آن ها اعلام کرد. در حدود صد نامه از او باقی است که به شخصیت های مختلف نوشته و پیامبری خود را اعلام و آن ها را به دین اسلام دعوت کردند. یکی از آن نامه ها نامه ای بود که به خسرو پرویز پادشاه ایران نوشتند و او را دعوت به قبول اسلام کردند. نامه ها نوشتند به همه ی سران بزرگ جهان و رسالت خودشان را به آن ها ابلاغ کردند... اگر [چه] بعضی از آن ها جواب ندادند ولی بسیاری شان جواب های بسیار محترمانه و متواضعانه [ای] دادند، فرستاده ی پیغمبر اکرم را احترام کردند، همراه او هدایایی برای حضرت فرستادند و بالاخره جواب مؤدبانه ای دادند.

• عنصر اساسی در تبلیغ اسلام

دعوت نباید توأم با خشونت باشد، و به عبارت دیگر دعوت و تبلیغ نمی تواند توأم با اکراه و اجبار باشد مسئله ای است که خیلی می پرسند: آیا اساس دعوت اسلام بر زور و اجبار است؟ یعنی ایمان اسلام، اساسش بر اجبار است؟

این، چیزی است که کشیش های مسیحی در دنیا، روی آن فوق العاده تبلیغ کرده اند. اسم اسلام را گذاشته اند دین شمشیر یعنی دینی که منحصر از شمشیر استفاده می کند. شک ندارد که اسلام دین شمشیر هم هست و این کمالی است در اسلام نه نقص در اسلام، ولی آن ها که می گویند: «اسلام دین شمشیر» می خواهند بگویند: اسلام در دعوت خودش ابزاری که به کار می برد شمشیر است، یعنی چنان که قرآن می گوید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن». آن ها می خواهند این جور وانمود کنند که دستور پیغمبر اسلام این بوده: ادع بالسیف. حالا کسی نیست بگوید پس چرا قرآن گفته: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» و در عمل هم پیغمبر چنین بوده است. یک نوع خلط مبحثی می کنند بعد می گویند: اسلام دین ادع بالسیف است، دعوت و تبلیغ کن با شمشیر. حتی در بعضی از کتاب های شان به پیغمبر اکرم اهانت می کنند، کاریکاتور مردی را می کشند که در یک دستش قرآن است و در دست دیگرش شمشیر، و بالای سر افراد ایستاده که یا باید به این قرآن ایمان بیاوری و یا گردنت را می زنم. کشیش ها از این کارها در دنیا زیاد کرده اند.

سومین گام برای دعوت به سوی خدا مناظره و جدال احسن است یعنی مناظره ای که با حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و راستی باشد و باطل در آن راه پیدا نکند.

• راه رسیدن به حقیقت، فقط با مهندسی خداست

راه رسیدن به حقیقت، فقط با مهندسی خداست و مهندسی در جهان هستی به جز خدا نیست و صراطی در جهان هستی به جز شریعت و دین نیست.

عقل چراغ است و از چراغ کاری ساخته نبوده و فقط راه را می بیند و دین که صراط و راه سعادت است، فقط برای خداست و ذات اقدس خدا به وسیله وحی، اولیا و معصومان (ع) آگاه می کند و از دو منظر قرآن و عترت می توان این صراط را شناخت؛ عترت یعنی علی و اولاد علی است و عترت و عصمت و ولایت همتای با قرآن است.

• هیچ جوانی مثل لوح نانوخته خلق نشده

هیچ جوانی مثل لوح نانوخته خلق نشده، بنابراین چه خواهرها، چه برادرها باید حوزه های علمیه داشته باشند، معارف قرآن و عترت را عالمانه و محققانه یاد بگیرند علاوه بر این، عملشان نیز باید جاذبه داشته باشد و جوانان کشورهای خود را با این علوم آشنا کنند و سعی کنند با تربیت اسلامی، اخلاق اسلامی، روش و منش اسلامی در آن ها کیش به اسلام را ایجاد کنند.

• اگر واقعا انسان خودش را بشناسد....

اگر واقعا انسان خودش را بشناسد، نه بیراهه می رود، نه راه کسی را می بندد. این صراط مستقیم در درون ماست. یک صراطی نیست که افقی باشد یا عمودی. این عدل است، این عقل است، این اعتقاد است، این اخلاق است؛ این در جایی مهندسی شده نیست. این صراط در درون ما نهاده شده است. اگر بررسی کنیم فرمود «فالمهما فجورها و تقواها»، هم غرب خودش را می یابد، هم شرق خودش را می یابد، هم سالمندان و میان سالان، هم به تعبیر رهبر انقلاب جوان های اروپایی که آینده کشورشان در دست این هاست، خودشان را می یابند. این راه در بیرون از ما نیست. ما نمی خواهیم مکه برویم یا مدینه یا کربه مریخ که راه بیرونی داشته باشیم. این راه درونی است؛ عقیده است، اخلاق است، اوصاف و اعتدال و عدل است.

• مقصود اصلی مقام معظم رهبری در این نامه

این چراغ را باید در درون روشن کنیم که راه را ببینیم. آنگاه نه بیراهه می رویم، نه راه کسی را می بندیم. بعد، با ابدیتمان آشناییم. ما هرگز حاضر نیستیم بیوسیم. این در درون همه ماست. باید ره توشه ای تهیه کنیم که با ابدیت ما سازگار باشد. در این عالم، یا با ضابطه زندگی می کنیم، یا با رابطه، یا با هر دو. با ضابطه زندگی کنیم یعنی احتیاجاتمان را برطرف می کنیم؛ مثلاً منزل تهیه می کنیم یا می خریم یا اجاره و رهن می کنیم. فرش ما، زندگی ما، غذای ما با ضابطه است. یا اینکه با رابطه زندگی می کنیم؛ مثلاً کسی پدر کسی است، پسر کسی است، کودک است، بزرگ است، سالمند است، میانسال است، این ها با رابطه زندگی می کنند. اما بعد از مرگ فرمود: لا بیع فیه و لا خله؛ نه ضابطه است نه رابطه. ما هستیم، بدن هست، همه نیازها هست، اما نه بازار خرید و فروش است، نه کسی پسر کسی است، پدر کسی است، چون همه از خاک برمی خیزند. پس باید از اینجا برد. این «علوم انسانی» است. این بازده حرف انبیا است؛ این می شود سخنان رهبر انقلاب.

• اگر نامه رهبری به جوانان غرب رفت، از این راه بوده...
محور اصلی قبله و کعبه، مردم محروم اند و آن کسی که کعبه را حفظ می کند، پا برهنه و رجال است و او می تواند کعبه را حفظ کند و اگر نامه رهبر محترم به جوانان غرب رفت، از این راه بوده و اگر او جامعه را به این سمت دعوت کرده است، به دلیل آن است که خود قائم به عقل بود و فهمید که قیام عقل و عدل، قیام پابرهناها است؛ چه بنایی مقدس تر از قبله که به مصاف جهانیان است که فرمود همه بیابند، اما کعبه را پیاده ها حفظ می کنند و هواپیما نشین را هم کعبه می پذیرد، اما از آن ها کاری ساخته نیست و اگر او بخواهد در مقابل داعش بایستد، توان آن را ندارد و همین رجال و پابرهناها در مقابل داعش می ایستند و مرفه، اهل مبارزه نیست.

آیت الله شهید بهشتی



• اسلام، تک بعدی نیست

وقتی در باب معرفت وارد می شوید، می بینید اسلام، تک بعدی نیست، نه مکتب حسی است فقط، نه مکتب عقلی است فقط، نه مکتب عرفانی است فقط، بلکه هم حسی است، هم عقلیست و هم عرفانی. و وقتی می گوئیم حسی، تجربی را هم شامل می شود، لذا تجربی نیز هست... و همین طور، ذوقی و کشفی و شهودی است.

• اسلام، راه راست انسان زیستن است

اسلام، آئین انسان و انسانیت، و صراط مستقیم و راه راست انسان زیستن است، و به همین جهت به همه جوانب هستی انسان عنایت دارد و هیچ گاه در قالب نگرش ها و برداشت های تک بعدی نمی شود اسلام را یافت.

• فقط با عقل و خرد و اندیشه نمی توان راه هدایت را نشان داد

انسان در شناخت، دارای بعد حسی است، و نیز دارای ابعاد عقلی و عرفان و عشق و شور می باشد. انسان موجودی نیست که عقل و خرد و اندیشه یکپارچه باشد، تا با اندیشه تحلیل گر با او برخورد کنیم. دلمان را خوش کنیم که ما با قدرت تجزیه و تحلیل فراوان، با مسأله انسانیت و انسان و جهان برخورد کرده ایم... در انسان، بعد دیگری هست در زمینه شناخت و معرفت که به آن بعد عرفانی، بعد عشق و بعد شور و حال می گوئیم...

زندگی عشق و شور می خواهد، زیرا با عشق و شور چیزهایی را می شود فهمید که با عقل تحلیلگر هرگز قادر به فهم آن نیستیم. آن انسان از تک بعدی و تک نگری خردمندانه به ستوه آمده که می گوید:

آزمودم عقل دوراندیش را / بعد از این دیوانه سازم خویش را
به راستی اگر زندگی انسان صرفاً بخواهد مغز باشد و اندیشه، جاذبه خودش را از دست می دهد.

• عمل به معیارهای اسلامی؛ بهترین راه برای دعوت به اسلام

دنیا در پی یافتن راه های عملی برای بهتر زیستن است نه راه های ادعایی. نسل جوان خودمان هم همین طور. هر جا به هر مقدار، عمل به معیارهای اسلامی سراغ داشته باشید دیگر هیچ احتیاجی به تبلیغ نیست. خود به خود دل و جان و فکر و ایمان او (مخاطب) آنجاست.

• دعوت به اسلام، ۱۰ درصد هم به زبان نبوده است....

آیت الله مصباح یزدی



● بالاترین خدمت به انسان‌ها

بالاترین خدمت به انسان‌ها، آشنا کردن آن‌ها با اسلام و معارف اهل بیت (ع) است و بزرگترین خیانت نیز ممانعت از انتشار و ترویج دین است.

● چگونه مردم جذب دین می‌شوند؟

... اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چه باید کرد تا مردم جذب دین

شوند؟ چون صرف این که انبیا نسخه تکامل روحی و معنوی انسان را در دست دارند و راه درست آن را می‌شناسند کافی نیست، بلکه علاوه بر آن باید تدبیری اندیشید که مردم این نسخه را بگیرند و عمل کنند. این جاست که باز هم بحث جاذبه و دافعه مطرح می‌شود، اما جاذبه و دافعه به این معنا که آیا انبیا برای دعوت مردم به دین و متقاعد کردن آنان به پذیرش آن، به چه شیوه‌هایی متوسل می‌شوند؟ آیا از شیوه‌های جاذبه دار استفاده نموده و با نرمی و مهربانی سعی در جذب افراد دارند یا با خشونت و زور از مردم می‌خواهند که به این نسخه عمل کنند و یا هر دو شیوه را به کار می‌برند؟ خلاصه این که آیا قانون و قاعده خاصی در این باب وجود دارد یا نه؟

استفاده از برهان و موعظه؛ اولین گام برای دعوت به دین

اولین مرحله کار انبیا دعوت مردم است. ابتدا باید کاری کنند که مردم حاضر شوند سخن آنان را بشنوند و ببینند انبیا چه می‌گویند تا بعد نوبت به عمل کردن یا نکردن برسد. در این مرحله (مرحله دعوت) تردیدی وجود ندارد که باید از راه منطقی و برهان و استدلال وارد شد و نص قرآن هم گواه این مطلب است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ و با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.» دعوت باید با حکمت و دلیل و منطق همراه باشد تا جاذبه داشته باشد و در این مرحله، دافعه به هیچ وجه مطرح نیست.

● با «موعظه حسنه» دیگران را به سوی دین بخوانیم

گرچه موعظه مشتمل بر انذار و ترساندن است و محتوای آن خوشایند نیست اما کیفیت بیانش باید نیکو و دلنشین باشد، حتی اگر مخاطب این انذار، شخص فاسدی مثل فرعون باشد. خداوند به حضرت موسی و برادرش هارون می‌فرماید: «ادْعُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ وَ قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم بگویید، شاید که بپذیرد یا بترسد؛» یعنی فرعون طاغی شده و شما هم باید محتوای حرفتان به گونه‌ای باشد که «بخشی» بترسد؛ اما سخن تهدیدآمیز را با کیفیتی نرم و ملایم بیان کنید، نباید از ابتدا با تند و خشونت با او روبرو شوید. در مقام دعوت اگر از ابتدا داد بزنی و تند کنی، گوش و ذهنش را می‌بندد و اصلاً گوش نمی‌دهد که شما چه می‌گویید، اما اگر همان حرف دافعه دار و محتوای تهدیدآمیز را با ملایمت و نرمی بگویید ممکن است در او اثر کند.

● مناظره؛ راهی برای هدایت دیگران

«ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای که] که نیکوتر است مجادله نمای.» برای آن که آن‌ها را به طریق هدایت رهنمون شوی، با آنان بحث و مناظره کن، اما در مجادله هم به زیباترین روش بحث کن. در مقام مناظره هم اگر طرف مقابل را مغلوب کرده و در بحث علمی شکست می‌دهید اما از انصاف و ادب و

چرا نمی‌خواهیم لمس کنیم که دعوت بر خیر در اسلام، ۱۰ درصد هم به زبان نبوده است... یکی از افت‌های زندگی اجتماعی ما رواج بازار دعوت زبانی و اخیراً قلمی و کساد بازار دعوت عملی است...؛ یعنی ما دعوت کنندگان قلمی و زبانی که در بخش زبانی و قلمی چه بسا پُر تجلی هستیم، اما متأسفانه در بخش دعوت عملی آن ارج و اثرگذاری متناسب با رسالتمان را چندان نداریم.

● با عمل خود، مردم را به اسلام فرا بخوانیم

ما با شعار داشتن آیین حق و عدل در جهان امروز دعوت خودمان را عرضه می‌کنیم البته به یک شرط، به شرط اینکه عمل ما آنقدر وارونه نباشد که مردم دنیا را بیزار کند و بگویند اگر بخواهیم حق و حق پرستی را در رفتار شما بنگریم ما از این حق گریزانیم و این آن حقی نیست که فطرت ما جستجو می‌کرد. و اگر بخواهیم عدل را در زندگی و رفتار نظام اجتماعی و اقتصادی شما بنگریم، این هم آن عدلی که ما می‌خواهیم نیست. این عدل، عدل قلبی است.

● خودمحوری، افت دعوت به اسلام

هر فرد و گروهی که این گرفتاری (خودمحوری) را داشته باشد، اگر از تمام دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا و آخرین فنون تبلیغاتی، بهترین فیلم، شیرین‌ترین بیان و جذاب‌ترین شعرها و مهیج‌ترین نمایشنامه‌ها و فیلم‌ها هم استفاده کند، باز به جایی نمی‌رسد.

لزوم رعایت اصل «لا اکره فی الدین» در دعوت به دین

جریان‌های سازنده باید طوری باشد که انسان‌ها را در خودش فرو برد، اما نه یک فرو بردنی که خودآگاهی و انتخاب آزاد را از آن‌ها سلب بکند و به شکل یک جبر اجتماعی در بیاید... این نمی‌تواند دوام داشته باشد و اصولاً نمی‌تواند ما را به راه اسلام ببرد. ما باید اصل «لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یكفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انضمام لهما» را در دعوت رعایت کنیم.

● نقش بزرگ انقلاب اسلامی در گرایش جهانیان به اسلام

جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، در جایگاه یکی از این جوامع، در مسیر دعوت خویش باید تجسم و تجلی این ذهنیت والای بشری فرودآمده از عرش الهی باشد تا بتوان گفت که مشغول نشان دادن اسلام به دنیا و تبلیغ آن در جهان هستیم.

● جاهلیت مدرن

کشیدن کاریکاتور از پیامبری که مظهر کرامت و ادب است و آمده است تا آنچه را خداوند در ذات انسان گذاشته است، بارور کند و انسان را به رشد و کمال برساند، یک جاهلیت مدرن است.

● پیامبر (ص) عدل و اخلاق مجسم است

آنان که در فرانسه یا غیرفرانسه از مرز انسانیت خارج می‌شوند و به پیامبر (ص) توهین می‌کنند باید بدانند او عدل و اخلاق مجسم است، او بشریت را به این مرحله رسانده است، هر جا حرف حق است از اسلام است، اگر پیامبران نبودند چیزی بدتر از جنگ‌های جهانی گرفتار جامعه انسانی می‌شد.

● صهیونیسم؛ پشت پرده راهبرد اسلام سیتزی در غرب

آن‌هایی که تکذیب و مستخره می‌کنند همان کسانی هستند که در جریان جنگ‌های جهانی بیش از ۸۰ میلیون نفر را کشتند، این‌ها همان کسانی هستند که در گوشه کنار عالم، جنگ راه انداختند و لشگر کشی می‌کنند، این‌ها همان کسانی هستند که در فلسطین جنگ سی روز راه می‌اندازند می‌کشند و خیالشان نیست.

اولین مرحله کار انبیا دعوت مردم است. ابتدا باید کاری کنند که مردم حاضر شوند سخن آنان را بشنوند و ببینند انبیا چه می‌گویند تا بعد نوبت به عمل کردن یا نکردن برسد. در این مرحله (مرحله دعوت) تردیدی وجود ندارد که باید از راه منطق و برهان و استدلال وارد شد و نص قرآن هم گواه این مطلب است.

تشریح کنیم. در ابتدا حتی ما باید به این اندازه اکتفا کنیم که حاضر شوند شهادتین را بگویند و مسلمان شوند و یا از همه احکام اسلام فقط حاضر شوند نماز را بخوانند. خلاصه، در ابتدا باید سعی کنیم به این اندازه آن‌ها را به اسلام نزدیک کنیم و بعد تدریجاً مسائل را تا حدی که بتوانند عمل کنند برایشان بگوییم. البته این سیاست ابلاغ تدریجی، مربوط به هر مردم و هر کشوری که باشد، قطعاً برای مردم تهران و اصفهان و شیراز نیست.

● **به برکت انقلاب، فرهنگ اسلامی در دنیا در حال گسترش است**
امروز به برکت انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی (ره) فرهنگ اسلامی در دنیا در حال گسترش است. امروز نظام اسلامی بیش از هر زمان دیگری در اقصی نقاط جهان گسترش یافته و علاقمندان و مشتاقان مکتب انقلاب اسلامی در حال افزایش هستند.

● **راه‌های مهم تبلیغ اسلام در جهان**
باید برای عرضه دین اسلام و داشته‌های علمی خود، به مراکز معتبر علمی و دانشگاه‌های مهم نفوذ کنیم. راه دیگر تبلیغ دین اسلام همین روابط بین‌المللی است که موجب حضور عالمان اسلامی در کشورهای دیگر می‌شود. حال که اهل باطل توانسته‌اند با برنامه در دنیا نفوذ کنند، قطعاً ما مسلمانان که اهل حق هستیم، اگر قواعد را رعایت کنیم، اثر گذارتر خواهیم بود.

● **غنی‌ترین ذخایر دنیا را داریم**
با وجود جمعیت میلیاردری مسلمانان و دارا بودن غنی‌ترین ذخایر دنیا، بیشترین وسعت زمینی و منطقه مهم خاورمیانه و... به علت عدم طرح و برنامه روشن، نتوانسته‌ایم برای گسترش دین مقدس اسلام استفاده کنیم. در تلاش برای ترویج اسلام به همه نقاط جهان، باید مراقب باشیم که دستاوردهای انقلاب از دست نرود و از طرفی فریب دشمن را نخوریم. مسلمانان باید همه جهان را رصد کنند و ببینند که در هر نقطه‌ای از این دنیا از چه راهی می‌توان نفوذ کرد و بر این اساس در نقاط مربوطه به تبلیغ دین اسلام پرداخت.

● **برای تبلیغ دین احتیاج به کارهای نظامی نداریم**
برای تبلیغ دین اسلام در سراسر دنیا احتیاج به کارهای نظامی نداریم؛ چرا که امروزه با استفاده از وسائل ارتباط جمعی می‌توانیم در کوتاه‌ترین زمان ممکن، پیام خود را به دنیا برسانیم. اسلام را باید از منابع اصلی یعنی قرآن و اهل بیت(ع) بشناسیم و این گنج‌ها اکنون در اختیار تشیع است.

منابع و مأخذ:

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: www.safi.ir.
۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی مکارم شیرازی: www.makarem.ir.
۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله جوادی آملی: javadi.esra.ir.
۴. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شهید مطهری: www.mortezamotahari.com.
۵. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی: www.mesbahyazdi.ir.
۶. مجموعه گفتارهایی از شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی، ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران.
۷. آیت‌الله شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶.
۸. آیت‌الله مصباح یزدی، کاوش‌ها و چالش‌ها، جلد اول.
۹. hawzahnews.com.
۱۰. www.tebyan.net.

زناکت خارج نشوید. برای شکست دادن او از مغالطه استفاده نکنید. سعی کنید او را قانع کنید تا حقیقت بر او معلوم گردد نه این که تمام سعیتان بر این باشد که به هر قیمتی شده او را از صحنه خارج کنید.

● **چگونگی برخورد اسلام با رفتارهای شخصی و خصوصی**
اسلام، در مسائلی که صرفاً شخصی و کاملاً خصوصی است، اجازه استفاده از زور و قوه قهریه و اعمال خشونت را نداده است. حتی اگر شما اتفاقاً از چنین خلافی مطلع شوید حق ندارید به روی او بیاورید که بله، من دیدم و فهمیدم که تو فلان کار بد را انجام دادی، تا چه رسد به این که به دیگران بگویید این سر مؤمن است و باید مکتوم بماند و کسی حق افشای آن را ندارد. اگر در خلوت خودش، خدای ناکرده، مشغول گناهی بود و شما دیدید، اگر بخواهید به او بگویید که من دیدم تو این عمل خلاف را انجام دادی، چه بسا همین باعث شود فکر کند حالا که گناهم برملا شد و مردم فهمیدند، پس دیگر فرقی نمی‌کند، از این پس علنی مرتکب می‌شوم. به هر حال، برملا کردن چنین گناه و عمل خلافی نیز از دیدگاه اسلام جایز نیست تا چه رسد برخورد قهری و فیزیکی و مجازات کردن. بله، اگر به یک نحوی به طور غیرمستقیم، که نفهمد شما از عمل زشت او مطلع شده‌اید، بشود کاری کرد و او را نصیحت نمود تا از آن کار دست بردارد، اشکالی ندارد.

● **برخورد اسلام با کشورها و اتباع بیگانه**
افرادی که در خارج از حیطه حکومت اسلامی‌اند از دو حال خارج نیستند. یا افرادی هستند که قصد دشمنی و ایذاء نسبت به مردم و کشور اسلامی را دارند یا این گونه نیستند. اگر قصد ایذاء و تضعیف و براندازی نداشته باشند، مسلمانان حق تجاوز به آنان را نداشته و باید عدل و احسان را دربره ایشان مراعات کنند. تا مادامی که دشمنی نکرده و قصد توطئه ندارند باید به آن‌ها نیکی و احسان کرد و حتی گاهی باید بیش از افراد داخل کشور هم نسبت به آن‌ها مهربانی نمود تا بلکه جذب اسلام شوند. یکی از مواردی که می‌توان زکات را صرف آن نمود کسانی هستند که اصطلاحاً «مؤلفه القلوب» نامیده می‌شوند؛ یعنی کفاری که در همسایگی کشور اسلامی زندگی می‌کنند، برای آن که احساس دوستی و محبت نسبت به اسلام و مسلمانان در قلب‌های آنان ایجاد شود از محل زکات، هدایایی به آن‌ها داده می‌شود. اما اگر کسانی در صدد دشمنی و توطئه برآمدند باید قاطعانه با آنان برخورد کرد. نسبت به گروه اول جاذبه داشتید اما نسبت به این گروه که با اسلام و مسلمانان دشمنی می‌ورزند باید کاملاً دافعه داشته باشید و نفسشان را گرفته، مجال حرکت به آن‌ها ندهید.

● **سیاست ابلاغ تدریجی برای ترویج اسلام**
این که بگوییم امروز مردمی در دنیا وجود دارند که از اسلام چیزی نمی‌دانند و ما تازه می‌خواهیم اسلام را به آنان معرفی کنیم، صحت ندارد. اما به هر حال، اگر چنین مردمی وجود داشته باشند، بدیهی است ما برای معرفی اسلام به آنان ابتدا نمی‌آییم این مسأله را بگوییم که اسلام دست دزد را قطع می‌کند، زناکار را تازیانه می‌زند و گاهی سنگسار می‌کند و مسائلی از این قبیل، بلکه طبیعی است که ابتدا باید از مبانی و اصول دین اسلام توحید و نبوت و معاد شروع کرد تا کم کم مبانی ایمان آن‌ها محکم شود و به تدریج مسائل دیگر را برای آن‌ها